

راهبردهای فرهنگی در توانمندسازی اقشار آسیب پذیر (مطالعه موردی: خانواده‌های تحت پوشش بنیاد خیریه وفاق سبز علوی کشور)

امیرحسین رستمی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
m.habibzadeh2050@gmail.com

کامبیز پیکارجو

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول):
k.peykarjou@srbiau.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: امروزه کشورها برای دستیابی به توسعه پایدار، توانمندسازی را کارآمدترین روش یافته‌اند. هدف توانمندسازی کمک به افراد ضعیف است تا تلاش نمایند با افزایش مهارت‌ها بر ضعف‌هایشان غلبه کنند و جنبه‌های مثبت زندگیشان را بهبود بخشند. پژوهش حاضر در تلاش است تا ضمن تحقیق در مورد عوامل متعدد درونی و بیرونی به بررسی راهبردهای توانمندسازی فرهنگی اقشار آسیب پذیر جامعه بپردازد.

روش پژوهش: در این راستا از میان مددجویان تحت پوشش بنیاد خیریه وفاق سبز علوی کشور تعداد ۳۲۹ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند که در طول مدت ۶ ماه در ۲۰ دوره آموزشی فرهنگی و مهارتی به صورت هدفمند شرکت نمودند، سپس با بهره‌گیری از رویکردهای مختلف نظری و روش میدانی، ۴ راهبرد فرهنگی شامل: ترویج فرهنگ قرآنی، تأکید بر هویت فرهنگی، تأکید بر هویت ملی و آموزش مهارت‌های زندگی بر روی ۵ مؤلفه توانمندسازی شامل: خودآزمایی، خودسازمانی، پذیرفتن شخصی نتیجه، معنی‌دار بودن و اعتماد، مورد سنجش قرار گرفت و بر اساس آنها، به تحلیل داده‌های گردآوری شده پرداخته شد.

یافته‌ها: در این پژوهش از پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه‌های ارسالی پیش از آزمون آلفای کرونباخ میزان ۸۰ درصد را نشان داد و مقدار پایایی بدست آمده بیشتر از ۷۰ درصد شد. در این پژوهش برای بررسی عادی یا نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون کولموگراف - اسمیرنوف استفاده کردیم. با توجه به نتایج این آزمون دریافتیم که نمونه‌ی موردنظر این پژوهش موردنظر دارای توزیع نرمالی نمی باشد. به همین دلیل برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های غیرپارامتریک آماری بهره جستیم. برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش نیز از آزمون کای اسکور بهره گرفتیم.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق بدین صورت است: در فرضیه اول با انجام آزمون ضریب همبستگی، همبستگی بین ترویج فرهنگ قرآنی و توانمندسازی قشر آسیب پذیر ۰/۵۴۲، در مورد فرضیه دوم همبستگی بین تأکید بر هویت دینی و توانمندسازی قشر آسیب پذیر ۰/۳۱۹، همچنین در فرضیه سوم، همبستگی بین تأکید بر هویت ملی و توانمندسازی قشر آسیب پذیر ۰/۲۵۶ به‌دست آمد که در سطح اطمینان ۰/۹۵ وجود این رابطه تأیید شد. در مورد فرضیه چهارم نیز، همبستگی بین آموزش مهارت‌های زندگی و توانمندسازی قشر آسیب پذیر ۰/۵۷۱ به‌دست آمد که در سطح اطمینان ۰/۹۵ وجود این رابطه تأیید شد. چارچوب مفهومی این پژوهش برگرفته از نظریه کنش ارتباطی تالکت پارسونز و نظریه بازتولید فرهنگی لویی آلتوسر و پیر بوردیو می باشد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، راهبرد، فرهنگ، قشر آسیب پذیر، مهارت‌های زندگی.

مقدمه و بیان مسأله

امروزه کشورها برای دستیابی به توسعه پایدار، توانمندسازی را کارآمدترین روش یافته‌اند که در برنامه‌های ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران به خصوص در مورد اقشار آسیب‌پذیر (مواد ۹۲ الی ۹۸) بدان اشاره شده است.

توانمندسازی به عنوان امری ضروری جهت توانمند شدن افراد کم درآمدتر برای رسیدن به حقوقشان از طریق دستیابی و کنترل بر منابع طبیعی سازمان‌ها ی موجود و تغییر یافته، تعریف می‌شود. همچنین توانمندسازی به‌عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که در آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها بر مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، کنترل پیدا کنند. (کیمیایی، ۶۳، ۱۳۹۰)

از آنجائیکه توانمندسازی اقشار آسیب پذیر یک پدیده اجتماعی است و پدیده‌های اجتماعی تک علتی نیستند، توانمندسازی آن‌ها به عوامل متعدد درونی و بیرونی بستگی دارد. عوامل درونی چون وضعیت جسمانی، روانی، وضعیت اقتصادی خانواده بر توانمندی فرد نقش تعیین کننده‌ای دارد. از طرفی ساختارهای موجود اجتماعی و فرهنگی با حمایت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌توانند در این مورد نقش تعیین کننده‌ای داشته باشند که در این راستا پژوهش حاضر در تلاش است تا ضمن تحقیق در مورد عوامل متعدد درونی و بیرونی به بررسی شیوه‌ها و راهبردهای توانمندسازی فرهنگی اقشار آسیب پذیر جامعه با تأکید بر خانواده‌های تحت حمایت بنیاد خیریه وفاق سبز علوی کشور بپردازد.

است که ناگزیر از تغییر و تحول شتابان و رقابت روزافزون مطرح شده و یکی از اقداماتی است که برای بهبود و اصلاح افراد، نهادها و سازمان‌ها انجام می‌گیرد. ساختار جامعه شهری در ایران، به ویژه کلانشهر تهران، دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری گردیده است، به نحوی که می‌توان شاهد گذار از یک جامعه سنتی پرسابقه به یک جامعه مدرن بود.

توجه به اجرای تغییرات هدفمند در این کلانشهر با بهره‌گیری از تمام نیروها و عناصر قابل استفاده در جامعه به ویژه اقشار آسیب‌پذیر میسر است. بر همین اساس بررسی نیازها و برآوردن آن‌ها یکی از ضرورت‌هایی است که مسئولان و برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی در جامعه بایستی بدان توجه کنند. پس بایستی به دنبال راه کارها و راهبردهای مناسبی جهت ارتقاء شرایط اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی اقشار آسیب پذیر جامعه بود. آنچه ضرورت توجه به انجام این تحقیق را بیشتر می‌کند وجود چالش‌ها، تنش‌ها، تضادها و بحران‌ها و همچنین تأثیرات حوزه فرهنگ بر زندگی اجتماعی و همچنین فقدان راهبردهای مشخص فرهنگی در خصوص توانمندسازی افراد جامعه به طور کلی و اقشار آسیب‌پذیر به طور ویژه است که تاکنون کمتر درباره‌ی آن بررسی و تحقیقی صورت گرفته است و یکی از مهمترین موارد اهمیت و ضرورت این پژوهش نتایج کاربردی و روشنی است که می‌تواند در اختیار متولیان و مسئولین فرهنگی کشور قرار بگیرد و آن‌ها را در تصمیم‌گیری و مواجهه با راهبردهای فرهنگی در جهت اقدامات توانمندسازی اقشار آسیب پذیر یاری نماید.

اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه توانمندسازی یک مفهوم جدید مدیریتی

توانمندسازی (توانمندسازی)

واژه توانمندسازی از اوایل دهه هشتاد میلادی در

کرده است.

- توانمند سازی دادن قدرت به افراد نیست. افراد هم اکنون دارای قدرت می‌باشند (به صورت سرمایه‌ای از دانش و انگیزش) تا کار خود را بسیار عالی انجام دهند. توانمندسازی را به عنوان آزاد کردن این قدرت تعریف می‌کنیم.
- توانمندی سازی یعنی واگذار کردن مسئولیت به سطوح پایین‌تر سازمان تا بتوان از دانایی، مهارت، تجربه و انگیزه آنان برای پیشبرد اهداف سازمان مدد گرفت.

راهبرد

واژه «استراتژی» که اکنون در زبان فارسی از آن به «راهبرد» تعبیر می‌شود مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته و بعداً در سایر عرصه‌ها از جمله اقتصاد، تجارت و به ویژه عرصه سیاست و مملکت داری از کاربرد زیادی برخوردار شده است. ریشه واژه «استراتژی» واژه یونانی «استراتژیا» (Strategia) به معنای «فرماندهی و رهبری» است. اکنون معنای ساده استراتژی عبارت است از یک طرح عملیاتی به منظور هماهنگی و سازماندهی اقدامات برای دستیابی به هدف

فرهنگ

«فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن، و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد.

پیشینه پژوهش

فرج اله رهنورد و نسرين حسینی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با موضوع «عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان» سطح توانمندسازی زنان در شرکت مخابرات ایران و

تحقیقات علوم روانشناسی به کار گرفته شد. از منظر روانشناسی توانمندسازی وضعیتی است که در نتیجه آن ظرفیت و قابلیت‌های فردی و طبیعی به نوعی منجر به تصمیم‌گیری و حضور فرد در اجتماع و ایجاد تغییرات اجتماعی می‌شود. (رپورت ۱۹۸۱ و ۱۹۸۴)

- توانمندسازی یک مفهوم سیاسی، اجتماعی که متعلق به مشارکت سیاسی رسمی و افزایش آگاهی است یک تعریف کامل از توانمندسازی باید شامل مؤلفه‌های شناخت روانشناختی، سیاسی و اقتصادی باشد (استراماکویست^۲، ۱۹۹۳)

- بسط توانایی افراد برای انتخاب‌های راهبردی و حساس زندگی شان در بستری که این توانایی پیشتر از آنها نفی می‌شد (حاشیه مانده بودند) (نایلاکیر^۳، ۲۰۰۱)

- مشارکت کامل مردم در تصمیم‌ها و فرآیندهایی که به زندگی شان شکل می‌دهد.

- توانمندسازی فرآیندی است که باعث افزایش ظرفیت‌ها و سرمایه‌های افراد یا گروه‌ها برای انتخاب می‌شود و انتخاب‌ها را به سوی نتیجه‌ها و اعمال مطلوب سوق می‌دهد (آلویپ و هسنس^۴، ۲۰۰۵).

- در مراحل توانمندسازی و داشتن قدرت سه جنبه مورد نیاز است: الف) دستیابی به کنترل منابع؛ ب) عاملیت (توانایی استفاده از این منابع برای بوجود آوردن فرصت‌های جدید)؛ ج) دستیابی‌ها به درآمد‌های اجتماعی (کیر^۵، ۱۹۹۹).

- در فرهنگ لغت وبستر از توانمندسازی به عنوان تفویض اختیار یا اعطای قدرت قانونی به سایرین تعبیر شده است.

فرهنگ لغت آکسفورد نیز فعل توانمند سازی را به عنوان توانا ساختن و به معنای ایجاد شرایط لازم برای بهبود انگیزش افراد در انجام وظایف خویش، از طریق پرورش احساس کفایت نفس تعریف

عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار می‌دهند. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که سطح توانمندی کارکنان زن در حد متوسط است و نتایج حاصل از تحلیل عاملی نیز معرف عوامل تأثیرگذار است: (۱) نگرش مدیریت؛ (۲) ساختار گروهی؛ (۳) ارزش‌های بین گروهی؛ (۴) روابط اطلاعاتی. مدل تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که از عوامل فوق سه متغیر نخست در مدل وارد شده و مجموعاً ۶۳ درصد از تغییرپذیری در سطح توانمندی کارکنان زن را تبیین می‌کنند.

آرین قلی پور و اشرف رحیمیان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با موضوع «رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار» در پی شناخت عوامل اثرگذار بر توانمند شدن زنان سرپرست خانوار شناسایی شده و راهنمای مسئولان در بهبود کیفیت زندگی و شهروندی آنها است. در این پژوهش، آموزش، مهارت آموزی، طرح‌های خوداشتغالی، سهام عدالت، وام و کمک‌های غیرنقدی متغیر مستقل و توانمندسازی متغیر وابسته هستند. روش انجام تحقیق به صورت پیمایشی بوده و نمونه‌ی آماری شامل زنان سرپرست خانوار است که با شهرداری تهران، کمیته‌ی امداد و سازمان بهزیستی در شهرهای کرج و تهران در تعامل بوده‌اند تحلیل‌ها نشان داد که بین متغیرهای مستقل و توانمندسازی و نیز بین خود متغیرهای مستقل همبستگی وجود دارد و یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که آموزش و طرح‌های خوداشتغالی موجب بروز احساس توانمندی در زنان سرپرست خانوار میشود و زنان سرپرست خانوار به دلیل داشتن نقش‌های متعدد فرصت آموزش ندارند و معمولاً در مقایسه با دیگر زنان از تحصیلات کمتری برخوردارند از این رو آموزش تأثیر مثبتی بر خانواده آنها دارد. همچنین اغلب، بزرگ‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار مشکل اقتصادی است از این رو هر اقدامی برای کاهش این مشکل مفید خواهد بود.

سیدعلی کیمیائی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار» در پی بررسی شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان‌های حمایتی است. روش این پژوهش توصیفی و جامعه‌ی آماری آن شامل کلیه‌ی زنان سرپرست خانواری هستند که طی سالهای ۸۶ تا ۸۴ در دو سازمان بهزیستی و کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) وارد طرح توانمندسازی شدند. یافته‌ها و نتایج نشان داد که اجرای برنامه‌های توانمندسازی همانگونه که در سایر کشورها نتایج مثبتی به همراه داشته است، اجرای آن در مورد زنان سرپرست خانوار، نه تنها به اشتغال و افزایش سطح درآمد و ارتقاء آنها به سطوح طبقاتی بالاتر اجتماعی اقتصادی جامعه منجر می‌شود، بلکه به کمک آموزش شغلی از وابستگی آنها به سازمان‌های حمایتی کاسته شده و به لحاظ اقتصادی اجتماعی خود را همچون سایر افراد جامعه می‌بیند. علاوه بر این، اجرای طرح توانمندسازی روانی سبب شده است تا زنان سرپرست خانوار در حوزه‌های مختلف روانشناختی همچون؛ خود کارآمدی، خود ارزشمندی و عزت نفس، کنترل بر زندگی، قدرت تصمیم‌گیری، حل مسأله و افزایش سازگاری توانمند شوند لذا اجرای برنامه‌ی توانمندسازی نه تنها به اشتغال، افزایش سطح درآمد و کاهش وابستگی زنان سرپرست خانوار منتهی می‌شود بلکه توانایی آنها در حوزه‌های روانشناختی را نیز به دنبال دارد.

علیرضا کلدی و پروانه سلحشوری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان» با واکاوی مفهومی توانمندسازی و نقش تعیین کننده آن در توسعه پایدار به تاثیر حمایت اجتماعی در توانمندی زنان پرداخته‌اند. در این مقاله توانمندسازی زنان را شامل ابعاد روانشناختی، اقتصادی، توانمندی بر حسب عاملیت و توانمندسازی جسمی دانسته و حمایت اجتماعی را با ابعاد حمایت

توانمندسازی فاقد مدلی مجزا و یکدست است که قادر به تلفیق کردن سطوح چندگانه‌ی فعالیت و روابط پیچیده باشد. مدل پیشنهادی ارائه شده در این مقاله، فرآیند توانمندسازی را از طراحی مداخله تا رفتارهای آتی شخص تشریح می‌کند. پویاشناسی فرآیند توانمندسازی اثر متقابل بین محیط کار و هر کارمند در درون بافت وسیعتر سازمانی معرفی شده است. سپس استدلال می‌کند که میتوان تعاریف ارائه شده در این مقاله را در جهت تلفیق و یکدست کردن آثار و تحقیقات مربوط به توانمندسازی به خدمت گرفت. ارتباط بین بافت سازمانی، محیط کار، مداخله در دریافت‌ها و نگرش‌ها، و مؤلفه‌های خاص توانمندسازی روانشناختی پیشنهاد می‌شود. نقش تفاوت‌های خاص در این روابط نیز شرح داده می‌شود. در نهایت، نتایج را برای محققان و مدیران مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

راهبردهای فرهنگی بر با توانمندسازی قشر آسیب پذیر ارتباط معناداری دارد.

فرضیه‌های فرعی

- ۱- ترویج فرهنگ قرآنی با توانمندسازی قشر آسیب پذیر ارتباط معناداری دارد.
- ۲- تأکید بر هویت دینی با توانمندسازی قشر آسیب پذیر ارتباط معناداری دارد.
- ۳- تأکید بر هویت ملی با توانمندسازی قشر آسیب پذیر ارتباط معناداری دارد.
- ۴- آموزش مهارت‌های زندگی با توانمندسازی قشر آسیب پذیر ارتباط معناداری دارد.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل این پژوهش عبارت است از:

عاطفی، حمایت خود ارزشمندی، حمایت ابزاری، حمایت اطلاعاتی و حمایت شبکه‌های اجتماعی سنجیده است. چارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریه ساختاریابی گیدنز، نظریات توانمندسازی، نظریه حمایت اجتماعی ساراسون و نظریه نیازهای اساسی مازلو است و روش تحقیق بصورت پیمایشی و جامعه آماری شامل زنان شهر تهران است که نتایج تحقیق نشان می‌دهد حمایت اجتماعی بر توانمندسازی روانشناختی، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی جسمی و توانمندسازی کل تاثیر داشته است.

احمد غیاثوند و حسن عمار (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی تاثیر اجتماعی مجموعه‌های فرهنگی بانوان (شهربانو) بر توانمندسازی زنان در شهر تهران» به بررسی ارزیابی تاثیر اجتماعی این مراکز بر ابعاد گوناگون توانمندسازی زنان می‌پردازد. جامعه‌ی آماری این پژوهش که به روش پیمایشی انجام شده، تمام زنان مراجعه کننده به مجموعه‌های شهربانو در مناطق ۱، ۲، ۸ و ۱۴ شهرداری تهران است. نتایج برآمده از این تحقیق بیانگر آن است که احداث مجموعه‌های شهربانو در مناطق مورد مطالعه و نیز استفاده زنان از آنها، توانسته است که زنان را در ابعاد گوناگون توانمند ساخته و توانایی‌ها و مهارت‌های آنها را افزایش دهد. جان لرد (۱۹۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «فرآیند توانمندسازی، از نظریه تا عمل» تلاش می‌کند توانمندسازی را به عنوان یک فرآیند تغییر نشان دهد. فرآیندی که به تعامل شخص با دیگران و حضور در اجتماع او بستگی دارد بطوری که عنوان می‌کند در مورد توانمند سازی باید به درک زندگی "فرد در محیط" نگاه کرد و این فرض اساسی را مطرح می‌کند که همه افراد دارای نقاط قوتی هستند که می‌توان آنها را در نظر گرفت.

تی ال رایبیز (۲۰۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «یک مدل جامع از روند توانمندسازی» اشاره می‌کند روند

توزیع داده‌ها، از آزمون کولموگراف-اسمیرنوف استفاده کردیم. با توجه به نتایج این آزمون دریافتیم که نمونه‌ی موردنظر این پژوهش موردنظر دارای توضیح نرمالی نمی‌باشد. به همین دلیل برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های غیرپارامتریک آماری بهره جستیم. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش بدین صورت می‌باشد: اطلاعاتی که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است، به تفکیک برای هر سوال استخراج، طبقه‌بندی و در صورت لزوم مقوله‌بندی و پس از کدگذاری و ورود اطلاعات به رایانه به وسیله نرم‌افزار spss22 پردازش شد. برای بررسی فرضیه‌ها، با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرها، از آزمون‌های مختلفی استفاده شد. داده‌های به دست آمده از طریق پرسشنامه با استفاده از دو روش آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش از آزمون خی دو یا کای اسکوتر بهره گرفتیم. این آزمون از نوع ناپارامتری یا ناپارامتریک است و برای ارزیابی متغیرهای کیفی به کار می‌رود.

فرمول کای اسکوتر

$$\chi^2 = \sum_{i=1}^k \frac{(O_i - E_i)^2}{E_i}$$

که در آن

O فراوانی‌های مشاهده شده

E فراوانی‌های مورد انتظار

در این پژوهش از پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه ترویج فرهنگ قرآنی محقق ساخته اما در بخش هویت دینی و مهارت‌های زندگی از پرسشنامه‌های زیر استفاده شده است.

- پرسشنامه هویت دینی فاطمه خوشاوی (۱۳۹۰)
- پرسش نامه محقق ساخته فاطمه خوشاوی (۱۳۹۰)
- شامل سه مؤلفه‌ی اعتقادات دینی، عواطف و احساسات دینی و رفتارهای دینی بود.

راهبردهای فرهنگی شامل: ترویج فرهنگ قرآنی، تأکید بر هویت دینی، تأکید بر هویت ملی و آموزش مهارت‌های زندگی.

توانمندسازی اقشار آسیب پذیر متغیر وابسته است که با ۵ مؤلفه خوداثربخشی، خودسامانی، پذیرفتن شخصی نتیجه، معنی‌دار بودن و اعتماد، مورد سنجش قرار می‌گیرد. چهار مؤلفه آن در زمینه توانمندسازی توسط اسپریتزر (Spreitzer: 1992)، شناسائی شد. بعدها براساس مطالعات میسرا (Mishra: 1992)، یک بعد دیگر نیز به آن افزوده شد و پنج بعد کلیدی توانمندسازی شکل گرفت. البته در مطالعات کانگر و کانگو (Kanger and Kanungo: 1998) نیز به این ابعاد توجه شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف پژوهش، در زمره‌ی پژوهش‌های توصیفی و از نوع زمینه‌یابی (یا پیمایشی) می‌باشد. در این نوع پژوهش‌ها محقق از طریق تحلیل پاسخ‌هایی که با ارائه‌ی پرسش‌نامه در میان مردم کسب نموده است به بررسی ماهیت ویژگی‌ها و ادراکات شخصی (نگرش‌ها، باورها، عقاید و امور مورد علاقه) می‌پردازد. (شریفی به نقل از روزنبرگ، ۱۳۸۳) به لحاظ ماهیت و روش نیز در گروه پژوهش‌های همبستگی قرار می‌گیرد. این تحقیقات برای کسب اطلاع از وجود رابطه بین متغیرها انجام می‌پذیرد؛ در صورت وجود رابطه، به تعیین نوع و میزان رابطه می‌پردازد. همچنین از آنجایی که این پژوهش می‌تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، پژوهش کاربردی محسوب می‌شود. رشد و ارتقای یک محصول یا فعالیت، آزمون امکان تحقق مفاهیم نظری و حل تنگناها، مشکلات و مسائل موجود در موقعیت‌های واقعی از اهداف پژوهش‌های کاربردی می‌باشد.

در این پژوهش برای بررسی عادی یا نرمال بودن

- پرسشنامه هویت فرهنگی طاهری (۱۳۹۲)
این پرسشنامه توسط طاهری (۱۳۹۲) در قالب ۳۰ گویه طراحی و اعتباریابی شده است. برای طراحی پرسشنامه از مبانی نظری و تجربی در زمینه هویت فرهنگی بهره گرفته شد.
- پرسشنامه مهارت‌های زندگی ساعتچی (۱۳۸۹)
مقیاس مهارت‌های زندگی توسط ساعتچی و همکاران (۱۳۸۹) ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۴۰ گویه می‌باشد که بر مبنای طیف پنج‌تایی لیکرت «خیلی زیاد»، «زیاد»، «تاحدی»، «کم» و «خیلی کم» تنظیم گردیده است. برای سنجش مقیاس مهارت‌های زندگی از مؤلفه‌های زیر استفاده شده است:
 - خودآگاهی:
توانایی شناخت خود و آگاهی از خصوصیات، نقاط ضعف و قوت، خواسته‌ها، ترس‌ها و انزجارهاست.
 - داشتن هدف در زندگی:
هدف یک نتیجه یا پیامد مشخص و اندازه‌پذیر (قابل اندازه‌گیری) است که فرد می‌خواهد در یک چارچوب زمانی خاص به آن دست یابد. هدف جهت‌گیری به سوی مقصد را هدایت می‌کند (محمدی ۲۱، ۱۳۹۱).
 - مهارت‌های ارتباطی:
مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تعاملات است که موجب تأمین نیازهای افراد می‌گردد و به‌عنوان یک نیاز انسانی بین انسان‌هایی که با هم زندگی می‌کنند پدیدار می‌شود. (سلیمی ۱۲، ۱۳۹۱).
 - مهارت‌های ارتباط بین فردی:
مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه و بالفعل فرد بوده که با استفاده از آن می‌توان به رفتاری قابل پذیرش و
- مهارت حل مسئله:
مهارت حل مسئله، فرآیند تفکر منطقی و منظمی است که به فرد کمک می‌کند تا هنگام رویارویی با مشکلات راه حل‌های متعددی جستجو کند و سپس بهترین راه حل را انتخاب نماید (شرفی ۶۷، ۱۳۸۸).
- تفکر خلاق:
مهارتی است که شخص از تلفیق مهارت‌های حل مسائل و تصمیم‌گیری از افکار یا روابط نو برخوردار می‌شود و قدرت کشف و انتخاب راه حل‌های جدید را پیدا می‌کند (مکتبی فرد ۸، ۱۳۸۸).
- تفکر انتقادی:
برادلی تفکر انتقادی را مجموع‌های از مهارت‌های شناختی مثل شناسایی مباحث محوری و مفروضات، ارزیابی رویداد، و استنباط نتیجه تعریف می‌کند (از تاشی ۳۳، ۱۳۹۱).
- مهارت تصمیم‌گیری:
از نظر عباس زاده (۱۳۷۴) مهارت تصمیم‌گیری عبارت از انتخاب یک راه‌حل از بین راه‌حل‌های مختلف است. یعنی زمانی که چند راه حل پیش روی دانش‌آموزان وجود داشته باشد و وی با توجه به مجموع ملاحظات از بین آنها یک راه حل را انتخاب نماید، تصمیم‌گیری کرده است.
- مشارکت و همکاری:
مشارکت و همکاری به معنی اتخاذ و هماهنگی منابع و کوشش‌های هر فرد در کوشش مشترک برای نیل به نتایجی است که همه در جست‌وجوی آن

هستند (فرمهبینی فراهانی ۷، ۱۳۷۸).

تولید می‌شود، تغییر ایجاد کنند. پذیرفتن شخصی نتیجه، عبارت است از اعتقادات فرد در یک مقطع مشخص از زمان در مورد توانایی‌اش برای ایجاد تغییر در جهت مطلوب.

• سلامت روان:

سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۱) سلامت روانی را به‌عنوان «حالتی از بهزیستی که در آن فرد توانایی‌های خود را می‌شناسد، می‌تواند با فشارهای روانی بهنجار زندگی کنار آید، می‌تواند به نحو پرثمری و مولدی کار کند و قادر است برای اجتماع مفید باشد» تعریف می‌کند.

در این پژوهش، توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر متغیر وابسته است که با ۵ مؤلفه خوداثربخشی، خودسامانی، پذیرفتن شخصی نتیجه، معنی‌دار بودن و اعتماد، مورد سنجش قرار می‌گیرد:

• احساس خود اثربخشی

خود اثربخشی به این معنا است که کارکنان اعتقاد دارند مهارت و توانایی لازم را برای انجام کارهای خود دارند.

• احساس خودسامانی

هنگامی که افراد به‌جای اینکه با اجبار در کاری درگیر شوند یا دست از آن کار بکشند، خود داوطلبانه در وظایف خویش درگیر شوند، احساس خودسامانی می‌کنند. آنان خود را افرادی خودآغازگر می‌بینند که قادرند به‌میل خود، اقدامات ابتکاری انجام دهند، تصمیمات مستقل بگیرند و افکار جدید را به‌آزمون بگذارند. در تفاوت خود اثربخشی و خودسامانی باید گفت که خودسامانی به‌درستی حق انتخاب منسوب است؛ در حالی‌که خوداثربخشی به احساس قابلیت اشاره دارد.

• پذیرفتن شخصی نتیجه

افراد توانمند احساس کنترل شخصی بر نتایج دارند. آنان بر این باورند که می‌توانند با تحت تأثیر قرار دادن محیطی که در آن کار می‌کنند، یا نتایجی که

• معنی‌دار بودن

احساس معنی‌دار، بودن یک نگرش ارزشی است که از متجانس بودن آرمان‌ها و ارزش‌های افراد و آنچه که در حال انجام دادن هستند، حاصل می‌شود. افراد توانمند، احساس معنی‌دار بودن می‌کنند. معنی‌دار بودن به‌معنی ارتباط اهداف و وظایف کاری با ایده‌ها و استانداردهای فرد است.

• اعتماد

سرانجام افراد توانمند دارای حسی به‌نام اعتماد هستند و مطمئن هستند که با آنان منصفانه و یکسان رفتار خواهد شد، این افراد، این اطمینان را حفظ می‌کنند که حتی در مقام زیردست نیز نتیجه‌نهایی کارهایشان منصفانه خواهد بود.

ابتدای پرسشنامه با سؤالات عمومی آغاز می‌شود. سؤالات اصلی پرسشنامه از ۵ دسته تشکیل شده است. سؤالات مربوط به فرهنگ قرآنی از سؤال ۱ تا ۴، سؤالات مربوط به هویت دینی از سؤال ۵ تا ۸، سؤالات مربوط به هویت ملی از سؤال ۹ تا ۱۲ و سؤالات مربوط به مهارت‌های زندگی از سؤال ۱۳ تا ۵۲ و سؤالات مربوط به توانمندسازی از سؤال ۵۳ تا ۵۷ را به خود اختصاص دادند.

جامعه آماری این پژوهش خانواده‌های تحت پوشش بنیاد خیریه وفاق سبز علوی کشور هستند. روش نمونه‌گیری از انواع نمونه‌گیری تصادفی یا احتمالی خواهد بود. حجم نمونه این پژوهش ۳۲۹ نفر می‌باشد که از طریق فرمول کوکران محاسبه شد.

آزمون فرضیه‌ها

می‌شود.

جدول (۲): آزمون خی دو مربوط به آزمون فرضیه اول.

| نوع آزمون | سطح معنی‌داری | درجه آزادی | آماره آزمون | نتیجه آزمون |
|------------|---------------|------------|----------------------|----------------------------|
| کای اسکوتر | 0/95 | 3 | 279/169 ^a | رابطه معنی‌داری وجود دارد. |

همانگونه که در جدول شاهد هستید می‌توان مقدار آماره مربع کی را با ۳ درجه آزادی و همچنین سطح معنی‌داری آزمون P-Value را با مقدار صفر مشاهده کرد که نشان از رد شدن فرض H_0 دارد. بنابراین بین متغیر مستقل و متغیر وابسته رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم

H_1 : بین تأکید بر هویت دینی و توانمندسازی قشر آسیب پذیر ارتباط معناداری دارد.
 H_0 : بین تأکید بر هویت دینی و توانمندسازی قشر آسیب پذیر ارتباط معناداری ندارد.

جدول (۳): ضریب همبستگی اسپیرمن میان متغیر مستقل و وابسته فرضیه دوم.

| متغیر | شاخص‌های آماری | توانمندسازی قشر آسیب پذیر |
|--------------------|----------------------|---------------------------|
| تأکید بر هویت دینی | ضریب همبستگی اسپیرمن | ۰/۳۱۹ |
| سطح معنی‌داری | سطح معنی‌داری | ۰/۹۵ |
| یک دامنه | یک دامنه | ۳۲۹ |

مطابق جدول قبل ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۳۱۹ می‌باشد و در سطح ۰/۹۵ معنی‌دار است و رابطه مثبت و مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه میزان تأکید بر هویت دینی بیشتر می‌شود؛

ما در این تحقیق برای بررسی همبستگی میان متغیرهای پژوهش از آنجایی که متغیرهای این پژوهش از نوع متغیرهای رتبه‌ای می‌باشند، از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌کنیم. اما شدت همبستگی که محاسبه می‌شود به معنای رابطه علت و معلولی نیست و ضریب همبستگی نشان نمی‌دهد که کدام متغیر علت و کدام متغیر معلول است به میان نمی‌آورد. به همین دلیل پس از محاسبه ضریب همبستگی از آزمون خی دو استفاده می‌نماییم.

فرضیه اول

H_1 : بین ترویج فرهنگ قرآنی و توانمندسازی قشر آسیب پذیر ارتباط معناداری دارد.
 H_0 : بین ترویج فرهنگ قرآنی و توانمندسازی قشر آسیب پذیر ارتباط معناداری ندارد.

جدول (۱): ضریب همبستگی اسپیرمن میان متغیر مستقل و وابسته فرضیه اول.

| متغیر | شاخص‌های آماری | توانمندسازی قشر آسیب پذیر |
|----------------------|------------------------|---------------------------|
| ضریب همبستگی اسپیرمن | ضریب همبستگی اسپیرمن | ۰/۵۴۲ |
| ترویج فرهنگ قرآنی | سطح معنی‌داری یک دامنه | ۰/۹۵ |
| تعداد | تعداد | ۳۲۹ |

مطابق جدول قبل ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۵۴۲ می‌باشد و در سطح ۰/۹۵ معنی‌دار است و رابطه مثبت و مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه میزان ترویج فرهنگ قرآنی بیشتر می‌شود؛ توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر بیشتر خواهد شد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر ترویج فرهنگ قرآنی با توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر تایید

رابطه مثبت و مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد. هراندازه میزان تأکید بر هویت ملی بیشتر می‌شود؛ توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر بیشتر خواهد شد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر تأکید بر هویت ملی با توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر تایید می‌شود.

جدول (۴): آزمون خی دو مربوط به آزمون فرضیه سوم.

| نوع آزمون | سطح معنی‌داری | درجه آزادی | آماره آزمون | نتیجه آزمون |
|------------|---------------|------------|----------------------|---------------------------|
| کای اسکوتر | 0/95 | 3 | 245.495 ^a | رابطه معنی‌دار وجود دارد. |

همانطور که در نتیجه جدول Chi square Tests مشاهده می‌کنید چون مقدار p value از ۰/۵ کمتر است؛ فرض H0 که نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر است رد می‌شود. بنابراین بین متغیر مستقل و متغیر وابسته رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه چهارم

H1: بین آموزش مهارت‌های زندگی و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ارتباط معناداری دارد.
H0: بین آموزش مهارت‌های زندگی و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ارتباط معناداری ندارد.

جدول (۳): ضریب همبستگی اسپیرمن میان متغیر مستقل و وابسته فرضیه چهارم.

| متغیر | شاخص‌های آماری | توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر |
|----------------------|------------------------|---------------------------|
| ضریب همبستگی اسپیرمن | ۰/۲۵۶ | ۰/۵۷۱ |
| مهارت‌های زندگی | سطح معنی‌داری یک دامنه | ۰/۹۵ |
| تعداد | ۳۲۹ | ۳۲۹ |

توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر بیشتر خواهد شد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر تأکید بر هویت دینی با توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر تایید می‌شود.

جدول (۴): آزمون خی دو مربوط به آزمون فرضیه دوم.

| نوع آزمون | سطح معنی‌داری | درجه آزادی | آماره آزمون | نتیجه آزمون |
|------------|---------------|------------|----------------------|---------------------------|
| کای اسکوتر | 0/95 | 3 | 287.767 ^a | رابطه معنی‌دار وجود دارد. |

همانطور که در نتیجه جدول Chi square Tests مشاهده می‌کنید چون مقدار p value از ۰/۵ کمتر است؛ فرض H0 که نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر است رد می‌شود. بنابراین بین متغیر مستقل و متغیر وابسته رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه سوم

H1: بین تأکید بر هویت ملی و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ارتباط معناداری دارد.
H0: بین تأکید بر هویت ملی و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ارتباط معناداری ندارد.

جدول (۳): ضریب همبستگی اسپیرمن میان متغیر مستقل و وابسته فرضیه سوم.

| متغیر | شاخص‌های آماری | توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر |
|----------------------|------------------------|---------------------------|
| ضریب همبستگی اسپیرمن | ۰/۲۵۶ | ۰/۲۵۶ |
| تأکید بر هویت ملی | سطح معنی‌داری یک دامنه | ۰/۹۵ |
| تعداد | ۳۲۹ | ۳۲۹ |

مطابق جدول قبل ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۲۵۶ می‌باشد و در سطح ۰/۹۵ معنی‌دار است و

اجتماعی و همچنین فقدان راهبردهای مشخص فرهنگی در خصوص اقشار آسیب‌پذیر جامعه یافته اصلی این پژوهش است که در پژوهش‌های پیشین دیده نمی‌شود.

بررسی نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پرسشنامه حاکی از آن است که:

الف: نتیجه‌ی مربوط به بررسی فرضیه اول:

فرضیه مورد نظر عبارت است از این‌که: «بین ترویج فرهنگ قرآنی و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ارتباط معناداری وجود دارد.» برای بررسی این فرضیه با انجام آزمون ضریب همبستگی، همبستگی بین ترویج فرهنگ قرآنی و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ۰/۵۴۲ به‌دست آمد که در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود این رابطه تأیید شد و با انجام آزمون خی دو (کای اسکوئر) تأثیر ترویج فرهنگ قرآنی روی توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر مورد تأیید قرار گرفت.

ب: نتیجه‌ی مربوط به بررسی فرضیه دوم:

فرضیه مورد نظر عبارت است از این‌که: «بین تأکید بر هویت دینی و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ارتباط معناداری وجود دارد.» برای بررسی این فرضیه با انجام آزمون ضریب همبستگی، همبستگی بین تأکید بر هویت دینی و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ۰/۳۱۹ به‌دست آمد که در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود این رابطه تأیید شد و با انجام آزمون خی دو (کای اسکوئر) تأثیر تأکید بر هویت دینی روی توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر مورد تأیید قرار گرفت.

ج: نتیجه‌ی مربوط به بررسی فرضیه سوم:

فرضیه مورد نظر عبارت است از این‌که: «بین تأکید بر هویت ملی با توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ارتباط معناداری وجود دارد» برای بررسی این فرضیه با انجام

مطابق جدول قبل ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۵۷۱ می‌باشد و در سطح ۰/۹۵ معنی‌دار است و رابطه مثبت و مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه میزان مهارت‌های زندگی بیشتر می‌شود؛ توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر بیشتر خواهد شد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر مهارت‌های زندگی با توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر تأیید می‌شود.

جدول (۴): آزمون خی دو مربوط به آزمون فرضیه چهارم.

| نوع آزمون | سطح معنی‌داری | درجه آزادی | آماره آزمون | نتیجه آزمون |
|------------|---------------|------------|-----------------------|---------------------------|
| کای اسکوئر | 0/95 | 3 | 1473.387 ^a | رابطه معنی‌دار وجود دارد. |

همانطور که در نتیجه جدول Chi square Tests

مشاهده می‌کنید چون مقدار p value از ۰/۵ کمتر است؛ فرض H0 که نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر است رد می‌شود. بنابراین بین متغیر مستقل و متغیر وابسته رابطه معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی از این تحقیق تبیین راهبردهای (استراتژی‌های) فرهنگی در توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر با تأکید بر خانواده‌های تحت پوشش بنیاد خیریه وفاق سبز علوی کشور بود که پس از انجام بررسی‌های آماری به این نتیجه رسیدیم که بین راهبردهای (استراتژی‌های) فرهنگی و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

در پژوهش‌های پیشین عمده متغیرهای توانمندسازی رویکردی اقتصادی داشتند و البته یافته‌های این پژوهش نیز همسو با آن‌هاست اما تأکید بر رویکرد توانمندسازی فرهنگی به‌علت وجود چالش‌ها، تنش‌ها، تضادها و بحران‌ها و همچنین تأثیرات حوزه فرهنگ بر زندگی

- فلسفی و کلامی)، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ دوم.
- ۶- رضاییان، علی (۱۳۷۹)، «مدیریت رفتار سازمانی»، تهران، سمت.
- ۷- رضاییان، علی (۱۳۸۶)، «مبانی سازمان مدیریت»، تهران، سمت.
- ۸- رهنورد، فرج الله؛ حسینی، نسرین (۱۳۸۷)، «عوامل موثر بر توانمندسازی زنان. زن در توسعه و سیاست»، شماره ۲۰.
- ۹- سیدجوادی سیدرضا (۱۳۸۳)، «مدیریت رفتار سازمانی»، تهران، نگاه دانش.
- ۱۰- شرف الدین، سیدحسین (۱۳۷۷)، «نگرش»، تهران، معرفت ویژه نامه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، سال هفتم، شماره ۲۵.
- ۱۱- شهنازی، محبوب (۱۳۸۰)، «تقدیر مردمسالاری ایرانی» تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول.
- ۱۲- صالحی امیری، سیدرضا؛ عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۹۱)، «مبانی سیاست گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی»، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۱۳- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۰)، «بنیادهای علم سیاست»، تهران، نشر نی.
- ۱۴- غیاثوند، احمد؛ عمار، حسن (۱۳۹۱)، «ارزیابی تاثیر اجتماعی مجموعه‌های فرهنگی بانوان (شهربانوی بر توانمندسازی زنان در شهر تهران»، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱۲.
- ۱۵- فیومی، داود (۱۳۷۷)، «مفهوم مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره اول، سال اول.
- ۱۶- قلی پور، آرین (۱۳۸۶)، «مدیریت رفتار سازمانی»، تهران، سمت.
- ۱۷- قلی پور، آرین؛ رحیمیان، اشرف (۱۳۹۰)، «رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی

آزمون ضریب همبستگی، همبستگی بین تأکید بر هویت ملی و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ۰/۲۵۶ به دست آمد که در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود این رابطه تأیید شد و با انجام آزمون خی دو (کای اسکوتر) تأثیر تأکید بر هویت ملی روی توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر مورد تأیید قرار گرفت.

د: نتیجه‌ی مربوط به بررسی فرضیه چهارم:

فرضیه مورد نظر عبارت است از این‌که: «بین آموزش مهارت‌های زندگی و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ارتباط معناداری وجود دارد.» برای بررسی این فرضیه با انجام آزمون ضریب همبستگی، همبستگی بین داشتن خودآگاهی و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر ۰/۵۷۱ به دست آمد که در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود این رابطه تأیید شد و با انجام آزمون خی دو (کای اسکوتر) تأثیر داشتن آموزش مهارت‌های زندگی روی توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر مورد تأیید قرار گرفت.

منابع و ماخذ

- ۱- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه باقر ساروخانی. تهران، انتشارات کیهان. چاپ چهارم.
- ۲- پژوهنده، محمد حسین (۱۳۷۴)، «بازشناسی فرهنگ: مفهوم فرهنگ از دیدگاه متفکران»، اندیشه حوزه.
- ۳- پستمن، نیل (۱۳۷۶)، «تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به تکنولوژی»، ترجمه صادق طباطبایی. تهران، اطلاعات.
- ۴- رابینز، استیفن، (۱۳۷۶)، «مبانی رفتار سازمانی»، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۵- رستمی، محمدزمان؛ آل بویه، طاهره (۱۳۹۰)، «علم امام (با رویکرد قرآنی، روایی، عرفانی،

- Sustainability in Higher Education; Vol 10; No 2; pp 154-153
- 30- Carlsson, U.; Tayie, Samy; Jacquinet-Delaunay, Genevieve & Tornero, José Manuel Pérez (Eds.) (2008) Empowerment through Education: An Intercultural Dialogue, Sweden: Goteborg University.
- 31- Meyrowitz, Joshua "Mediating Communication What Happens?" In Jon Dowling: Questioning The Media, Sage publications, London, 1995.
- زنان سرپرست خانوار»، رفاه اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۴۰.
- ۱۸- کریمی یوسف (۱۳۷۷)، «نگرش و تغییر نگرش»، تهران، ارسباران.
- ۱۹- کیمیایی علی (۱۳۹۰)، «شیوه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- ۲۰- گریفتن مورهد (۱۳۸۵)، «رفتار سازمانی»، ترجمه سید مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده. تهران، مروارید.
- ۲۱- گولدنر الوین (۱۳۸۳)، بحران جامعه شناسی غرب، ترجمه فریده ممتاز، تهران، سهامی انتشار.
- ۲۲- گیدنز آنتونی (۱۳۷۷)، «جامعه‌شناسی»، ترجمه منجهر صبوری. تهران، نشر نی.
- ۲۳- مارک روش بلاو و ادیل نیون (۱۳۷۰)، «روان‌شناسی اجتماعی»، ترجمه سیدمحمد دادگران، تهران، مروارید.
- ۲۴- مکسول جان سی (۱۳۸۵)، «اصول نگرش آنچه هر رهبری باید بداند»، ترجمه سیمین موحد، تهران، پیکان.
- ۲۵- منصور، جهانگیر (۱۳۸۲)، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، نشر دوران.
- ۲۶- مهرآرا علی اکبر (۱۳۷۳)، «زمینه روان‌شناسی اجتماعی» تهران، مهرداد.
- ۲۷- نعیم، مهدی (۱۳۹۵)، «اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری زناشویی و کاهش خشونت خانگی علیه زنان» دوره سوم شماره ۲.
- ۲۸- واینر مایرون، هانتینگتول ساموئل (۱۳۷۹)، «درک توسعه سیاسی» تهران، ترجمه و نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران.
- 29- Arbuthnott, Katherine D (2009); "Education for sustainable development beyond attitude change"; International Journal of

یادداشت‌ها

¹ *Report*

² *Stramacoids*

³ *Nilacbir*

⁴ *Alosp and Heinsobn*

⁵ *Kabeer*